

گزارش آیین رونمایی از کتاب

رابطه زهر آگین آمریکا، عراق و بمباران شیمیایی حلبچه

زهرا ناظری

مقدمه

با حضور پژوهشگران، نویسندگان، اصحاب رسانه و مهمانان دیگر برگزار می‌گردد. آخرین مراسم رونمایی کتاب در زمستان سال ۱۳۹۲ که در ۲۷ اسفندماه و در موزه صلح تهران برگزار شد، به کتاب رونمایی کتاب *رابطه زهر آگین آمریکا، عراق و بمباران شیمیایی حلبچه* نوشته آقای دکتر هیلمن و ترجمه آقای یعقوب نعمتی اختصاص داشت.

در این مراسم جناب آقای دکتر حسین اردستانی رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، آقای دکتر هیلمن نویسنده محترم کتاب، آقای یعقوب نعمتی مترجم کتاب، آقای دکتر محمدرضا سروش مدیرعامل انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی و آقای علیرضا یزدان‌پناه از جانبازان شیمیایی که داوطلب فعالیت در موزه صلح هم هستند، به سخنرانی پرداختند. سپس، لوحی از طرف موزه صلح تهران و به نمایندگی از جانبازان شیمیایی به آقای دکتر هیلمن اهدا شد و پس از آن رونمایی از این اثر گران قدر با حضور آقای دکتر اردستانی، آقای دکتر فرجوند (از وزارت امور خارجه)، آقای دکتر هیلمن، آقای یعقوب نعمتی و آقای دکتر سروش، انجام شد.

در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است آقای دکتر هیلمن، سال‌ها در نهادهای گوناگون بین‌المللی مثل

با وجود ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ، عراق بارها و بارها در تهاجم به ایران این تسلیحات را به کار برد و سبب شهادت یا مجروح شدن بیش از ۱۰۰ هزار نفر از هم‌وطنانمان شد. عراق علاوه بر رزمندگان و نظامیان، بارها مردم بی‌دفاع شهرها و روستاهای مرزی را هدف حملات شیمیایی قرار داد؛ این در حالی است که حمله به مناطق مسکونی و کاربرد سلاح شیمیایی با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو آشکارا مغایرت دارد.

استفاده وسیع از سلاح‌های شیمیایی در جنگ، پس از جنگ جهانی اول، برای اولین بار توسط عراق و در جنگ تحمیلی رخ داد و جامعه جهانی و سازمان ملل نه تنها هیچ برخورد جدی و شدیدی با عراق نکردند، بلکه پس از گذشت چندین سال از به‌کارگیری این سلاح‌ها و بدون محکوم کردن عراق این موضوع را اعلام کردند. مهم‌ترین فجایعی که بر اثر حملات شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران اتفاق افتاد؛ اول در حلبچه، دوم در جزایر مجنون و سوم در فاو بوده است.

طبق روال مرسوم در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، آیین رونمایی از کتاب‌های منتشر شده

چند نوشته و چند نکته آقای هیلترمن مطالبی را ارائه بکنم. پیدایش مسئله شیمیایی در جهان به جنگ جهانی اول و مصدوم شدن یک میلیون و سیصد هزار نفر و کشته شدن نود هزار نفر بازمی‌گردد و یک موضوع کوچک‌تر، شهر یا بخش پیریک در بلژیک است که ما می‌توانیم آن را با سردشت خودمان مقایسه کنیم. تکرار فاجعه شیمیایی در جنگ به دلیل حمایت رسانه‌ای قدرت‌های بزرگ و شورای امنیت در جنگ اتفاق افتاد. در واقع به نظر من مهم‌تر از قدرت‌ها و شورای امنیت، چتر رسانه‌ای و عدم ورود و نپرداختن به این مسئله در طول جنگ عراق و ایران، عراق را به این نقطه رساند که به چنین جنایتی دست بزند. تا قبل از حمله عراق در طول هفت و نیم سال جنگ عراق و ایران و به کار بردن سلاح‌های ممنوع یا جنایت‌های در شهرهای ایران در هنگام تجاوز همواره رسانه‌های غربی گفتند: ایران این را می‌گوید و عراق آن را می‌گوید و هیچ‌کس ورود به حقیقت نکرد.

جنایت‌های عراق؛ همچنان نامکشوف

مهم‌ترین فجایعی که به لحاظ شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران اتفاق افتاد؛ اول در حلبچه، دوم در جزایر

سازمان دیده‌بان حقوق بشر و سپس بخش خاورمیانه و شمال آفریقای گروه بین‌المللی بحران فعالیت داشته‌اند. کتاب ایشان از زمان انتشار مورد استقبال گسترده پژوهشگران و علاقه‌مندان به موضوعات مربوط به خاورمیانه و سیاست بین‌المللی واقع شده است، زیرا که بسیاری از مسائل مطرح‌شده در آن به‌ویژه مصاحبه‌ها دست اول و منحصر به فرد بوده و برای اولین بار پشت پرده حملات شیمیایی عراق در دهه ۸۰ میلادی را آشکار کرده است.

خاطر نشان می‌شود که ترجمه فارسی کتاب *رابطه زهر آگین* به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و نشر مرز و بوم منتشر شده است. اینک توجه شما را به مطالب مطرح‌شده در این جلسه جلب می‌کنم:

چتر رسانه و نپرداختن به مسئله؛ عامل اصلی جنایت

در ابتدای جلسه آقای دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ضمن سخنانی یادآور شدند: «امروز رونمایی از کتابی را داریم که به یکی از موضوعات مهم قرن بیستم می‌پردازد. من در صحبت‌های کوتاه خود سعی می‌کنم که براساس



از راست به چپ محمدرضا سروش مدیر عامل انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی - هیلترمن نویسنده کتاب و نعمتی مترجم کتاب

شیمیایی مطلع بوده‌اند. همچنین ایشان در کتابشان به‌درستی اشاره کرده‌اند که این نوک پیکان حمله به حلبچه را متوجه ایران بکند و جناب هیلترمن باز اشاره دارند که مجمع عمومی سازمان ملل بیانیه ضعیفی منتشر کرد و شورای امنیت سازمان ملل هم بعد از مدتی که بیانیه یا قطعنامه‌ای منتشر کرد، در آن از عراق به‌عنوان حمله‌کننده نام نبرده [است]. این حمایت‌های بی‌دریغ سرانجام منجر شد که عراق که حافظ منافع غرب و آمریکا در طول یک دهه بود، به دشمن آنها

دکتر اردستانی:

تکرار فاجعه شیمیایی در جنگ تحمیلی به دلیل حمایت رسانه‌ای قدرت‌های بزرگ و شورای امنیت اتفاق افتاد.

مبدل بشود که ایالات متحده و اروپا به‌رغم میلشان مجبور شدند که به حمایت [از] صدام خاتمه بدهند و صدام حسین و حزب بعث نیز مزد یک دهه خدمت به آمریکا و اروپا را لمس کردند و به حمایت خودشان خاتمه دادند.

ورق‌زدن فاجعه

کتاب جناب آقای هیلترمن ورق‌زدن فاجعه‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده است و از این بابت ما از ایشان تشکر می‌کنیم. در مسئله هسته‌ای، همین فرافکنی و قلب واقعیت

درباره جمهوری اسلامی در سطح رسانه‌ای و بین‌المللی وجود دارد. ما برای یک جهان بدون سلاح و یک جهان توأم با صلح نیاز به محققینی داریم که به حقایق و واقعیت‌ها در حوزه جنایت علیه انسانیت بپردازند. در آخر اشاره کنم که برای زمان حضور آقای هیلترمن در ایران، ما پیشبرد این کتاب را در اولویت قرار دادیم که بتوانیم در آخر امسال، رونمایی داشته باشیم و مرکز ما با اینکه یک مرکز تألیفی است و اصولاً به ترجمه ورود نمی‌کند، اما به دلیل اهمیت و ارزش این کتاب به ترجمه آن مبادرت ورزید. یک بار دیگر از تلاش ایشان

مجنون و سوم در فاو بوده است. در حلبچه که بر اثر مساعی رسانه‌ای ایران و تلاش دولت ایران و ستاد تبلیغات جنگ در آن زمان به یک امر جهانی مبدل شد، اکنون تمام جهان آن را به‌عنوان یک فاجعه، دولت علیه ملت ارزیابی می‌کنند. اما جنایت‌های عراق علیه ملت ایران در زمان جنگ، همچنان در جهان و در سطح ملت‌ها، نامکشوف و پنهان مانده است.

جنایت‌های عراق به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ

در جزایر مجنون در سال ۶۷، عراق از عامل سیانور استفاده کرد و ما به چشم دیدیم رزمنده‌ای را که پشت توپ ضدهوایی بود، تکان نمی‌خورد و ما هرچقدر به او گفتیم که برادر هواپیمای عراقی را بزن، او کاری نمی‌کرد و وقتی او را تکان دادیم، دیدیم که او افتاد و بر اثر بمباران‌ها درجا کشته شده بود. در عملیات والفجر ۸ و در فاو، عراق پس از ناتوانی در مقابله با ایران به حمله شیمیایی روی آورد و ظرف مدت یک هفته، از رزمندگان ایران حدود ۱۷ هزار [نفر] مصدوم شدند و از خطوط نبرد به عقب منتقل گردیدند و اگر بخواهم آمار دقیق ارائه کنم تعداد حدود بیش از ۱۰۰ نفر در این عملیات بر اثر حمله شیمیایی عراق شهید شدند. قبل از همه اینها عراق حمله شیمیایی را در سردشت، یکی از شهرهای مرزی و کردنشین ایران انجام داد. اما رسانه‌های بین‌المللی به آن ورود نکردند و هیچ موردتوجه قرار نگرفت. درحالی‌که کودکان، زنان و پیرمردان در سردشت شهید و مصدوم شدند و هنوز آثار آن فاجعه انسانی را ما در شهروندان سردشتی خودمان به‌عنوان یادگاری تلخ جنگ عراق علیه ایران می‌بینیم. گستاخی و جنایت عراق در چنین اعمالی مستظهر و به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ بوده است، به‌خصوص دولت ایالات متحده آمریکا.

عاقبت حافظ منافع غرب و آمریکا

آقای هیلترمن به‌درستی اشاره کرده‌اند که سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای غربی از اقدامات عراق در زمینه

تشکر می‌کنم. نمی‌خواهم که طولانی صحبت بکنم، اما این فرصت وجود دارد که این کتاب را خودتان بخوانید و خودتان از آن نتیجه‌گیری بکنید.

اقدام اولیه

به‌عنوان یک پژوهشگر برای من در دسترسی به منابع محدودیت‌هایی وجود داشت و به‌دلیل جنگی که بین ایران و عراق وجود داشت منابعی هنوز هستند که قابل دسترسی برای پژوهشگران نیستند، ولی پژوهش‌های بیشتری لازم است که انجام بشود و هنوز داستان‌های نگفته‌ای وجود دارد که باید درموردش کتاب‌هایی نوشته شود و بنابراین در واقع تألیف این کتاب یک اقدام اولیه بود که ما انجام دادیم.

سلاح شیمیایی علیه مردم

من می‌خواهم چهار سؤال مطرح کنم و جواب‌های کوتاهی به آنها بدهم: ۱. در این کتاب چه گفته شده است؟ ۲. این کتاب سعی دارد چه کار بکند؟ ۳. چه انگیزه‌ای باعث شد که من این کتاب را بنویسم؟ و ۴. اهداف نوشتن این کتاب چه بوده است؟ به زبان ساده این کتاب درمورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ ایران و عراق است. این کتاب به خودی‌خود درمورد جنگ نیست. به‌طور مشخص به این موضوع می‌پردازد: اولین حمله شیمیایی و اینکه چگونه این حملات شیمیایی در طول جنگ ایران و عراق ادامه پیدا کرد و گسترده‌تر شد. در ابتدا از مواد شیمیایی ساده و خامی استفاده می‌شد مثل فوسژن و کلر و موادی مثل گاز خردل و سپس مواد شیمیایی پیچیده‌تری مثل تابون، سارین و سومان به‌کار گرفته شد و از حملات کوچک در جبهه‌های جنگ تا حملات وسیعی که در جبهه‌ها انجام شد و بعد نهایتاً حملاتی که علیه مردم غیرنظامی صورت گرفت. به یاد بیاوریم که در جنگ جهانی اول حملات گاز شیمیایی فقط در کانال‌ها و سنگرها استفاده شد و نه علیه مردم. عراق اولین کشوری بود که گاز شیمیایی را علیه مردم استفاده کرد.

و از حضور ایشان در ایران قدردانی و از موزه صلح و از حضار گرامی هم سپاسگزاری می‌کنم.»

خانواده بزرگ

نویسنده محترم کتاب، آقای دکتر هیلترمن، دومین سخنران این مراسم بودند. ایشان سخنان خود را این‌طور آغاز کردند: متأسفم از اینکه نمی‌توانم فارسی صحبت کنم و بسیار دوست داشتم که به زبان شما عزیزان صحبت می‌کردم. باعث افتخار است برای بنده که امروز در جمع شما هستم. من چهارده سال پیش یا حتی قبل از آن شروع به نوشتن این کتاب کردم. هفت سال پیش، این کتاب به انگلیسی چاپ شد. این کتاب به کردی، عربی و ترکی هم منتشر شده است. اما برای من خیلی اهمیت داشت که این کتاب به فارسی ترجمه بشود؛ بنابراین امروز برای من روز بزرگی است. امروز احساس می‌کنم که با خانواده خودم در اینجا هستم. خیلی خوشحال هستم که دوستان قدیمی خودم را اینجا می‌بینم؛ آقای دکتر سروش، آقای دکتر فرجوند.

امروز همچنین برادر خانم کریم واحد - که دوازده سال پیش در بیمارستانی در تهران با ایشان مصاحبه کردم و ایشان از اهالی سردشت و از مصدومین شیمیایی بودند - را دیدم. بنابراین این یک خانواده‌ای است که امروز بزرگ‌تر شده است و همه می‌دانند که ما امروز می‌خواهیم راجع به چه چیزی صحبت کنیم. تشکر ویژه از آقای دکتر اردستانی و مرکزشان و همین‌طور از انتشارات مرز و بوم دارم. از آقای نعمتی که زحمت ترجمه کتاب را کشیدند و می‌دانم که بیشتر از یک سال این کار طول کشیده و به همین دلیل خیلی از ایشان

دکتر اردستانی: مهم‌ترین
فجایعی که به‌لحاظ
شیمیایی در جنگ عراق
علیه ایران اتفاق افتاد؛
اول در حلبچه، دوم در
جزایر مجنون و سوم در
فاو بوده است.



نویسنده و مترجم کتاب رابطه زهرآگین - در مراسم رونمایی کتاب در موزه صلح تهران (۱۳۹۲/۱۲/۲۷)

شش سال از این سلاح‌ها استفاده نکند، بدون هیچ‌گونه واکنشی در مقابله با این اقدام از سوی جامعه بین‌المللی.

سکوت و مشارکت

آن چیزی که من خواستم در این کتاب بگویم این است که چطور سکوت و مشارکت کشورهای دیگر، عراق را قادر ساخت که حملات خودش را از مواد شیمیایی ساده به مواد شیمیایی پیچیده وسعت بخشد و گسترش بدهد و از حمله سربازان و رزمندگان به هدف گرفتن مردم غیرنظامی برسد.

همین‌طور خواستم که توضیح بدهم که چطور جنایتهایی مثل آنچه در حلبچه و سردشت اتفاق افتاد، امکان پیدا می‌کند.

نقش کلیدی

چرا من اقدام به نوشتن این کتاب و انجام دادن این تحقیق کردم؟ در دهه ۹۰ من برای سازمانی کار می‌کردم به نام "دیده‌بان حقوق بشر". در آن زمان من از طریق آن سازمان به کردستان عراق اعزام شدم برای پژوهش در مورد ناپدید شدن ده‌ها هزار شهروند کرد عراقی. من

نقش کاربرد سلاح شیمیایی در پایان دادن به جنگ، شیوه‌ای که عراق در حملات نهایی جنگ ایران و عراق استفاده کرد و اینکه چطور عراق تهدید کرد که با قرار دادن کلاهک‌های شیمیایی روی موشک‌های اسکاد شهرهای ایران از جمله تهران را هدف قرار می‌دهد، موضوعاتی است که در این کتاب به آنها پرداخته‌ام.

۶ سال کاربرد سلاح‌های شیمیایی بدون واکنش مجامع جهانی

اهداف تحقیق من چه بود؟ من نه تنها می‌خواهم بگویم چطور از سلاح شیمیایی استفاده شد، بلکه می‌خواهم بگویم چطور این امکان پیدا شد که از این سلاح‌ها استفاده بشود. ما همه می‌دانیم که در جنگ‌ها از سلاح‌های زیادی استفاده می‌شود و از شروع خلقت بشر این داستان وجود داشته است. اما کاربرد سلاح‌های شیمیایی کشتار جمعی چیزی است که در قرن گذشته اتفاق افتاده است. جامعه بین‌المللی همیشه قول داده است که به کاربرد سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی پایان ببخشد. با وجود این، خیلی عجیب بود که در طول جنگ ایران و عراق، عراق توانست برای مدتی بیش از



جانباز شیمیایی علیرضا یزدان پناه در مراسم رونمایی کتاب- از فعالین موزه صلح تهران

انجام دادم تا ببینم که داستان از چه قرار بوده است. در نتیجه عملاً وادار شدم که در مورد کل جنگ ایران و عراق تحقیقی را انجام بدهم و متوجه شدم که سلاح شیمیایی نقش مشابهی را در کل جنگ ایران و عراق داشته است به خصوص در سال آخر جنگ. اگر نگاه بکنیم به سال آخر جنگ متوجه می شویم که عراق به مقدار خیلی زیادی از سلاح شیمیایی استفاده کرد، به خصوص در روزهای اول پنج مرحله عملیات "توکلنا علی الله" که علیه نیروهای ایرانی انجام شد. برای تضعیف روحیه نیروهای ایرانی و مردم تهدید کرد که کلاهک‌های حاوی مواد شیمیایی را به وسیله موشک‌های اسکاد به طرف تهران شلیک خواهد کرد.

جلوگیری از تکرار

هدف اصلی من از انتشار کتاب چه بوده است؟ دو هدف عمده داشته‌ام: یکی اینکه تلاشی بکنم برای پیشگیری از تکرار کاربرد این سلاح‌ها در هر جای دنیا و در عین حال خیلی خوشحال هستم که اقداماتی انجام شد تا از تکرار کاربرد این سلاح‌ها جلوگیری شود و هدف دیگرم این بود که با بررسی این موارد در واقع یک دانش و آگاهی‌ای را ایجاد بکنم در مردم

با مردم زیادی صحبت کردم و اسناد بسیار زیادی را از پلیس امنیت عراق مطالبه کردم. بعد متوجه شدم که در سال ۱۹۸۸، حملاتی بر ضد شورش‌های کردهای عراق انجام شده است که تحت عنوان "عملیات انفال" از آن نام می‌بردند. متوجه شدیم که ده‌ها هزار تن از مردم در آن منطقه از خانه و کاشانه خودشان ربوده شده‌اند و به مناطقی برده شده‌اند که در آنجا اعدام شده‌اند. این یک نسل‌کشی واقعی بود. وقتی در سال ۱۹۹۳ ما این تحقیق را منتشر کردیم، اشخاص زیادی به آن توجه نکردند. فکر کردم که چطور ممکن است که این رژیم بتواند چنین جنایتی را انجام بدهد، ولی توجه زیادی در دنیا به این مسئله نشود. بنابراین پژوهشی را شروع کردم که نتیجه‌اش این کتاب شد و در جریان این تحقیق متوجه نقش کلیدی سلاح‌های شیمیایی در عملیات انفال و این نسل‌کشی شدم و اینکه سلاح شیمیایی فقط باعث کشته شدن مردم نمی‌شد بلکه باعث فرار آنها از خانه و کاشانه‌شان می‌شد و اینکه به راحتی به دست نظامیان بیفتند برای اعدام‌های بعدی. بعد متوجه شدم که این واقعه در سال ۱۹۸۸ اتفاق افتاده است و این احتمال وجود دارد که در جاهای دیگر هم از این سلاح استفاده شده باشد، بنابراین تحقیق بیشتری

به‌عهده مترجم است و لا غیر.

کار علمی بی طرفانه و رویکرد منصفانه

به‌طور کلی عرض می‌کنم که از نظر بنده به‌عنوان یک پژوهشگر، این کتاب کار علمی و پژوهش بی طرفانه و منصفانه‌ای است که کار دقیقی برای آن انجام شده است و این قابل تقدیر است. در این زمینه هم یکی دو نکته به‌صورت تیتروار عرض می‌کنم برای مثال، مصاحبه‌های دست اول

و منحصر به فرد؛ طیف وسیع منابع مورد استفاده؛ ارائه برآوردی بی طرفانه و منصفانه از نقش طرف‌های دخیل در این قضیه و تلاش برای اینکه هیچ حرف و ادعایی بدون سند و مدرک ارائه نشود جزو نقاط قوت این کتاب است. البته مواردی هم در متن انگلیسی وجود داشت که ما نیاز دانستیم که در پاورقی توضیحاتی درباره‌اش ارائه بدهیم. با این وجود هیچ‌گونه دخل و تصرفی در متن کتاب انجام نشده است و هرچه که نویسنده نوشته

آن کشورهایی که در آن ماجرا درگیر بوده‌اند یا در این داستان نقشی داشته‌اند. در صورتی که مذاکراتی که اکنون در حال جریان است در خصوص موضوع هسته‌ای ایران و غرب به نتیجه برسد، این خیلی اهمیت دارد که مردم این کشورها بفهمند که در این داستان چه حقایقی وجود دارد. مردم ممکن است که همه چیز را در مورد تاریخ قبول نداشته باشند، اما اگر آگاهی داشته باشند از اینکه مردم آن طرف چطور فکر می‌کنند و چه حقایقی وجود دارد، ممکن است که کمکی بکنند به تفاهم بیشتر و اگر کتاب من بتواند کمکی بکند به این روند من خیلی خوشحال خواهم شد. خوشحال هستم از اینکه به اینجا تشریف آوردید و امیدوارم که از خواندن این کتاب لذت ببرید، البته نه به‌خاطر اتفاقات تلخی که در آن افتاده است. بنده علاقه‌مندم نظرات و دیدگاه‌هایتان را در مورد این کتاب از طریق ایمیل به من منعکس بکنید. بسیار ممنون.

وسواس و دقت زیاد

پس از نویسنده محترم، مترجم کتاب آقای یعقوب نعمتی، دیدگاه‌هایشان را بیان کردند: «خداوند منان را سپاسگزارم که توفیق ترجمه این اثر وزین شامل حال بنده شد و همچنین خوشحالم که آقای هیلترمن را در بین خودمان می‌بینم. به‌خاطر مطالبی که توسط آقای دکتر اردستانی و آقای دکتر هیلترمن ارائه شد، بنده نمی‌خواهم زیاد مصدع اوقات شوم. فقط مطالبی را به‌صورت مختصر به دوستان ارائه خواهم کرد. به‌واسطه اشتغال اینجانب به تحصیل دوره دکتری و کارهای پژوهشی، ترجمه این اثر بیش از یک سال طول کشید. البته وسواس و دقت زیادی هم سعی کردم که در ترجمه آن به خرج بدهم. در این مدت هم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از راهنمایی‌های ناظر محترم جناب آقای عبدالمجید حیدری، جناب آقای دکتر اردستانی و جناب آقای دکتر خاطری استفاده کردم. باز هم اگر ایرادی به متن فارسی کتاب وارد است مطمئناً مسئولیت آن صرفاً

دکتر هیلترمن: در جنگ جهانی اول حملات گاز شیمیایی فقط در کانال‌ها و سنگرها استفاده شد و نه علیه مردم. عراق اولین کشوری بود که گاز شیمیایی را علیه مردم استفاده کرد.

است ما در ترجمه آورده‌ایم و حداکثر اینکه در پاورقی توضیحات لازم را آورده‌ایم.

روح انسان‌دوستانه و ناب

مسئله دیگری که دوست دارم به آن اشاره کنم و حیف است ناگفته بماند، روح انسان‌دوستانه و نابی است که بر سرتاسر این کتاب و نگرش جناب آقای هیلترمن حاکم است و بنده علاوه بر تلاش علمی ایشان به‌خاطر این مسئله هم به ایشان ادای احترام می‌کنم. از همه دست‌اندرکاران برگزاری این مراسم و تمام کسانی که

داستان حضور خیلی از کسانی که اینجا هستند و قربانی جنگ هستند این بوده است که می‌خواستند بر جنگ پیروز شوند و نه در جنگ. سلاح و موتور محرک این آدم‌ها، عشق بود و نه نفرت. زیرا که برای جنگیدن باید ابتدا نفرت داشت، تا اینکه بتوانی دیگران را بکشی و برای دوست داشتن و برای زندگی و پیروزی بر جنگ باید عاشق انسان‌ها باشی و این آدم‌ها عاشق بودند. امروز جنگ ایران و عراق تمام شده است و صدام هم نیست ولی این مبارزه هنوز هست و این آدم‌ها با زخم فراوان و باریه‌های سوخته و چشم‌های بیمار هنوز هستند و می‌جنگند. درخشان‌ترین نقطه جنگ کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی بود و این آدم‌ها قربانیان این سلاح‌ها. چیزی که امروز می‌بینیم نقطه شروعی از آن قصه است و به ما می‌گوید که چرا این داستان اتفاق افتاد و چرا دنیا چشمان خود را بست بر روی این مسئله؟ چرا جان انسان در غرب و شرق یک قیمت نیست؟ چرا کسی که یازده سپتامبر کشته می‌شود و کسی که در افغانستان و عراق کشته می‌شود، ارزش یکسانی ندارد؟ و چرا با این همه پروتکل، کنوانسیون و قانون هنوز به راحتی سلاح‌های کشتار جمعی در دنیا استفاده می‌شوند؟ به نظر من مهم‌ترین دلیلش نه در عراق، نه در ایران و نه جغرافیا است، بلکه اینکه کرامت انسانی امروز در جهان ما مغفول مانده است و ما تلاش می‌کنیم برای کرامت انسان و ما ابزارمان روشنگری است و نزدیک کردن انسان‌ها به یکدیگر. همان‌طور که مولوی می‌گوید:

در کف هر کس اگر شمعی بُدی
اختلاف از گفتشان بیرون شُدی

کتاب دکتر هیلترمن به درستی این راه را به ما یاد می‌دهد و من افتخار می‌کنم که امروز در خدمت ایشان هستم و امروز در چنین جلسه‌ای هستم و دست رزمندگان برای پیروزی بر جنگ را می‌فشارم برای پایمردی در این راه.»

در انتشار این کتاب به نحوی دخیل بوده‌اند هم بسیار متشکرم. در پایان باید بگویم که اگر بر تحقیقاتی که در مورد جنگ ایران و عراق انجام می‌شود روح بی‌طرفی حاکم باشد، خودبه‌خود و فی‌نفسه به نوعی جانب‌داری از ایران محسوب می‌شود، در حالی که طرف نمی‌خواهد جانب‌داری کند. اگر واقعیت‌ها به صورت علمی بیان شود، نوعی جانب‌داری از ایران است و مظلومیت ایران و مظلومیت این قربانیان را به خوبی نشان می‌دهد و من دوست داشتم که این اثر و کار علمی خوب به فارسی ترجمه بشود و در اختیار هم‌وطنان ما هم قرار بگیرد و خود این قضیه هم به نظر من به نوعی قدردانی از زحمات نویسنده محترم است.»

به امید پیروزی، نه در جنگ که بر جنگ

پس از آن آقای دکتر محمدرضا سروش مدیرعامل انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی، صحبت‌هایشان را چنین آغاز کردند: «ابتدا تشکر می‌کنم از آقای دکتر هیلترمن و آقای دکتر اردستانی و همکارانشان در مرکز تحقیقات برای این کار بزرگ و در واقع

تشکر می‌کنم چون که آنها کاری را کردند که باید می‌شد. بنده چند جمله‌ای را خواهم گفت درباره اینکه کجا هستیم؟ چرا اینجا هستیم و باید چه کار کنیم؟ ما در حوزه یک بروشوری داریم و در این بروشور ما یک جمله الهام‌بخش داریم که این سرلوحه کار ما است در اینجا بنده می‌خوانم و این جمله از زنده‌یاد قیصر امین‌پور است: "شهیدی که بر خاک می‌خفت، سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت دو، سه حرف بر سنگ؛ به امید پیروزی، نه در جنگ که بر جنگ."

یعقوب نعمتی: روح
انسان دوستانه بر سرتاسر
این کتاب و نگرش جناب
آقای هیلترمن حاکم است
و بنده علاوه بر تلاش
علمی ایشان به خاطر
این مسئله هم به ایشان
ادای احترام می‌کنم.

گل باران ما

و پوست و جسم و جانمان، وارد شد. امروز مردی اینجا نشسته است به نام آقای هیلترمن از هلند که با کاری که انجام داد و نوشتن این کتاب انسان‌دوستانه ما را مجدداً گل باران کرد. قبل از اینکه فراموش بشویم و تبدیل به قصه بشویم دوباره مطرح شدیم و ایشان مظلومیت ما را به جهانیان ثابت می‌کند. امروز من و بیش از صد هزار نفر از مصدومین شیمیایی انرژی گرفتیم و پژمردگیمان فراموش می‌شود و قدرتمند می‌شویم و با قدم‌های محکم‌تر به سوی صلح جهانی می‌رویم. من و دوستانم در این موزه جمع شده‌ایم که بگوییم جهانی عاری از سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی می‌خواهیم. چون ما سختی و زجر این سلاح را به تن دیده‌ایم و چشیده‌ایم. امیدوارم که هیچ انسانی دچار این سلاح و این مشکلات نشود. من همه انسان‌ها را دوست دارم و به همه انسان‌ها احترام می‌گذارم. آقای هیلترمن مردی شجاع و انسان‌دوست است. من به ایشان افتخار می‌کنم و ایشان را دوست دارم. بازهم از شما عزیزان و از آقای هیلترمن بسیار متشکرم.»

حسن ختام این آیین، صحبت‌های زیبا و تأثیرگذار آقای علیرضا یزدان‌پناه، از جانبازان عزیز شیمیایی کشورمان بود که باهم می‌خوانیم:

«بنده چشم‌هایم خوب نمی‌بیند و نمی‌توانم از روی نوشته بخوانم و مجبورم در ذهنم مرور کنم، پس اگر کلمه‌ای جا به جا شد، عذر می‌خواهم، نزدیک شانزده سالم بود که شیمیایی شدم و بعد از گذشت ۲۶ سال، امروز در خدمت شما هستم. آقای هیلترمن مهمان ویژه ما هستند از کشور هلند. نزدیک به ۳۰ سال پیش یکی از هم‌وطنان آقای هیلترمن بازرگانی بود که به صدام مواد شیمیایی داد. کشور هلند، کشوری است پر از باغ‌های گل. من فکر می‌کنم اگر آن تاجر هلندی به جای مواد شیمیایی، گل به صدام داده بود، صدام شاید ما را گل باران می‌کرد. من و بیش از صد هزار نفر از هم‌وطنانم از این بوی عطر گل‌ها، شاداب، سرحال و لطیف می‌شدیم، ولی متأسفانه با این سلاح شیمیایی، ما بمباران شدیم. از عطر و بوی بمب‌ها ما آزرده شدیم، پژمرده شدیم و زخم بر چشم، ریه



دکتر حسین اردستانی رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دکتر خاطری، هیلترمن و یدالله ایزدی در موزه صلح ۱۳۹۲/۱۲/۲۷